

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یادداشت:

به دنبال نشر لیست به اصطلاح کاندید های انتخابات در "ولسی جرگه" و با مشاهده نام های تنی چند از آنانیکه ادعای سابقه مبارزاتی می کردند، یک تن از گزارشگران پورتال ابتکار به خرچ داده، ضمن طرح یک سؤال مختصر خواست نظر آنانی را در زمینه جویا شود که سابقه مبارزاتی داشته موضعگیری شان در قبال همچو مسایلی می تواند خط فکری طیف وسیعی از هواداران و متعلقین جنبش چپ را در جهت درستی متاثر سازد. به همین سلسله، از نخستین کسی که پرسش به عمل آورده ایم، آقای "ش. آهنگر" است که در ذیل پرسش ما و پاسخ ایشان را تقدیم می داریم:

اداره پورتال AA-AA

فرد دوم: یکی از شخصیت های طراز اول جنبش ملی دموکراتیک
فرد سوم: مبارز نستوه آقای داکتر میر عبدالرحیم عزیز یک تن از متصدیان پورتال
فرد چهارم: داوود فیضی یک تن از فعالین جنبش انقلابی کشور
فرد پنجم: هیوادوال کابلی یک تن از مبارزان آگاه و اندیشمند جنبش انقلابی و همکار قلمی پورتال
فرد ششم: انسان آگاه و وطنخواه شاذ دیلوم انجنیر خلیل الله معروفی یک تن از متصدیان پورتال
بعد از تعارفات معمولی:

سؤال:

در این روزها با اعلام نام نویسی کاندیدهای انتخابات پارلمانی تب وکیل شدن با لا گرفته و عده زیادی، من جمله تنی چند از روشنفکرانی که سابق دم از مبارزه میزدند، نامها و عکسهای شانرا در لیست کاندیدا ها به نمایش گذاشته اند. میخواهم نظر شما را در مورد انتخابات و به ویژه، در شرایط حاکم در افغانستان داشته باشیم.

دیپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین، ۲۹ می ۲۰۱۰

"انتخابات" محلل "اشغال و استعمار"

"محلل" (بضم اول، فتح دوم و کسر و تشدید سوم) "اسم فاعل" از مصدر "تحلیل" (باب "تفعیل" - باب دوم از مصادر دوازده گانه "ثلاثی مزیرفیه صحیح") است.
"تحلیل" دو معنی دارد، یکی "حلال گردانیدن" که مقوله ایست حقوقی و "شرعی" و دیگر "حل کردن" که از سنخ مقولات علوم طبیعی، خصوصاً "کیمیا" میباشد. پس "محلل" دو معنی دارد؛ یکی معنای حقوقی و دگر

معنای علمی. "محلل" در مفهوم حقوقی، معنای "حلال گرداننده" را دارد، در حالی که در مفهوم علمی (کیمیای) خود، در معنای "حل کننده" بکار می‌رود. درین مبحث وقتی حدیث از "محلل" می‌رود، در مفهوم "حقوقی و شرعی" آنست.

امروز اظهر من الشمس گشته است که افغانستان یک کشور "اشغالی" و "تحت استعمار" میباشد. تنها دروغگویان و آنانی که دیده بصیرت و حقیبینی و حقیقت‌گویی خود را بسته اند، ازین واقعیت ملموس، انکار می‌ورزند. من از زمره دلایل مثبت* فقط به آوردن یکی، بسنده می‌کنم:

برای کشورهای اشغالگر و استعماری، وطن عزیز ما، حکم "خانه بی در و بی دروازه" را پیدا کرده است. ما همه روزه شاهدیم که اورگانهای دول استعماری و اشغالگر بدون "استحضار" و "استیذان" دولت دست نشاندۀ کابل، به افغانستان، آمد و رفت میکنند. این دید و بازدیدها به هر بهانه واهی ظاهری هم که صورت بگیرد، حقیقت امر را پوشانده نمیتواند. حقیقت امر اینست که دول استعمارگر، بدون اعتناء به سرسپردگی دولت دست نشاندۀ خود، خود از نزدیک از رتق و فتق امور "مستعمره" خود سرپرستی میکنند. و این مشهود ترین شاهدیست، مبنی بر "مستعمره و در اشغال بودن" افغانستان. این قلم در زمینه ضمن طنزیه "اوغاستان خانی ننی ناتو"، نوشته کوتاهی تقدیم کرد که در صفحه ۲۲ می ۲۰۱۰ پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" نشر شد. امید است که متخصصان، موضوع را از نگاه "حقوقی" بشگافند و ماهیت حقوقی چنین "دید و وادیدها" را آشکاره گردانند!!!!!!!

دول استعماری و اشغالگر جهت منکوب ساختن ملت غیور و باشهامت ما از وسائل گوناگون کار میگیرند، که از اسلحه گرم و "ناریه" شروع گردیده، تا اسلحه سرد و "سلاحهای خاموش" امتداد می یابند. سلاحهای گرم و اثرگذاری آنها را هر کس دیده و لمس کرده میتواند، مگر "اسلحه خاموش" را کس در ظاهر نمیبیند، کما اینکه اثرات آن بمراتب مخرب تر بوده و ساحة انهدام گسترده تر را در بر میگیرد. شاید کسی تاکنون اصطلاح "سلاح خاموش" را بکار نبرده باشد، و یا اگر برده باشد، در هیچ جای به نظر من نرسیده است. علی ای حال، من اسلحه این نوع را، که در واقع "های تک" مخرب سیاسی جهان آزمند و زورآور است، "اسلحه خاموش" و "اسلحه نامرئی" نامگذاری می‌کنم. چون این سلاحها بدون اینکه آشکارا بچشم بخورند، پیوسته بکار برده شده و نتیجه "دلخواه" به بار می آورند. از نظر من، "اسلحه خاموش و نامرئی" به مراتب خطرناک تر و مهیب تر اند، چون "خاموشانه" کار میکنند و خیلی خیلی "مؤثر"!!!!!!!

من شخصاً، "تبلیغات" و "تطمیع پولی" را از بزرگترین انواع "اسلحه خاموش" استعمار محسوب کرده و مخدرترین "تبلیغات" را در خاک "اشغالی" ما در وجود "انتخابات ریاست جمهوری" و "انتخابات پارلمانی" میبینم. دول استعمارگر با براه انداختن هممه و هنگامه و غوغای "انتخابات"، خلق خدا را فریفته و "متاع قلب" خود را غدارانه در کسوت و جلیه "مشروع" می فروشند. ورنه که نمیداند که؟؟؟ :

در یک کشور "مستعمره" و "اشغال شده"، "انتخابات" اصلاً اعتباری ندارد. چون در چنین کشوری صلاحیتهای اصلی در اختیار استعمارگران بوده و دولت "مستعمره" و "دست نشاندۀ" با تمام ارکان خود، در بست در خدمت استعمار و اشغال میباشدند و همت گمار "مشروعیت بخشیدن" آنها. آیا گاهی از خود پرسیده ایم، که چرا استعمار، "فاسد ترین"، "منفور ترین" و "شقی ترین" چهره ها و عناصر جامعه افغانی را در "ارکان دولت" تعبیه کرده است؟ جواب صریح و بدون ابهام است. چون تنها و تنها عناصر پلید و بی وجدان میتوانند در خدمت اجانب درآمده و به سرکوب مردم خود بپردازند، تا راه برای تداوم اشغال و استعمار هموار گردد!!!

در خدمت "دولت مستعمره" در آمدن - در هر رکن از ارکان سه گانه اش که باشد - در واقع، "در خدمت استعمار قرار گرفتن" است. و اشتراک در انتخابات افغانستان اشغالی و مستعمره، چیزی دیگر نیست، جز "تأیید استعمار" و "دراز ساختن" عمر نکبتبار آن در افغانستان!!!!!!!

انتخابات در واقعیت امر، "حلال گرداننده" و "محلل" اشغال و استعمار است و هر کسی که به نحوی در آن اشتراک میکند، "اشغال و استعمار" وطن خود را تأیید کرده و مشروعیت میبخشد!!!!!!!

مرتکبان مگر هر آینه و به تحقیق بدانند،

که هیچ سیهکاری، از دیده بینا و دراک "تاریخ" پوشیده نخواهد ماند!!!!

توضیح:

* شرح این لغت را روی منظوری خاص پیش میکشم:

"مثبت" (به ضم اول، سکون دوم و کسر سوم) بر وزن "مقبل و منعم و مجرم و مشکل و مطرب" ، "اسم فاعل" عربی، از مصدر "اثبات" (باب "افعال") و در معنای "ثابت کننده" یا "اثبات کننده" است. اگر حرف سوم را مفتوح بسازیم، در آن صورت، "اسم مفعول" این مصدر بدست می آید. یعنی "مثبت" (به ضم اول، سکون دوم و فتح سوم) "اسم مفعول" از همین مصدر بوده و معنای "ثابت ساخته شده" ، "اثبات شده" یا "قابل اثبات" را میدهد. می بینیم که درینجا فقط تغییر زیر و زبر، فاعل را مفعول میسازد و برعکس. نص ضرب المثل "فیل و قیل" (به یک نقطه فیل قیل میشه) واقعاً درینجا صادق می افتد. در افغانستان بعض کسانی که میخواهند "متجدد" و "جدید خیال" جلوه فرمایند، این کلمه را به فتح حرف اول تلفظ میکنند، که غلط محض است!!!

چنانکه میدانیم در زبان عربی "صفت" با "موصوف" از نگاه "جنس" مطابقت دارد. یعنی که این لسان برای "موصوف مذکر" ، "صفت مذکر" و برای "موصوف مؤنث" ، "صفت مؤنث" را بکار میبرد. این را نیز میدانیم، که از نگاه دستور زبان عربی "جمع اسم" حکم "مفرد مؤنث" را دارد. یعنی کلماتی از قبیل "مشکلات، صنایع ، عواطف، معاذیر، فنون، علوم و غیره" همه در حکم "مفرد مؤنث" میباشند. از همین سبب در حالت "توصیف" ، "صفت" آنها را "مفرد مؤنث" می آورند و مثلاً میگویند : "علوم قدیمه" ، "صنایع مستظرفه" ، "ضوابط معموله" ، "آثار باقیه" ، "اخبار منتشره" ، "قرون وسطی" ("وسطی" با الف مقصور و بشکل "وسطا" تلفظ میشود) و غیرهم. (شرح بیشتر موضوع را در بخشهای چارم و پنجم "مشکلات املائی در زبان دری" - صفحات مؤرخ ۱۲ و ۱۸ مارچ ۲۰۱۰ پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" و آرشیف "معروفی" مطالعه فرمائید!!!!)

به همین خاطر در متن، "صفت" را برای "دلایل" (جمع "دلیل") ، "مفرد مؤنث" و بشکل "مثبت" آوردم.

در گذشته چندان دور، در تداول اکادمیک ما، "علوم طبیعی" را "علوم مثبت" میخواندند. "علوم مثبت" ازین جهت که مدعا را در ساحة این علوم میتوان علماً هر وقت، ثابت ساخت، مثلاً از نگاه ریاضی و فزیک و کیمیا و بیالوجی و غیره. در ترکیب "علوم مثبت"، اگر حرف سوم "مثبت" را "کسره" بگیرم، معنای آن "علوم ثابت کننده" میشود. و اگر این حرف را "فتحه" بدهیم، معنای "علوم قابل اثبات" را خواهد داد. پس در همین حالت خاص، "کسره و فتحه" حرف سوم "مثبت" ، هر دو مدلول را منطقاً درست افاده کرده و هر دو حالت درست است!!!!

پرسنده: از پاسخ صریح و لطف بیحد تان که به پرسش ما پاسخ گفتید، یک جهان ممنون.

معروفی: از شما هم تشکر. تداوم ابتکار تان آرزوی ماست. شاد و موفق باشید